

پرسش ۱۷۰: معنای «ترس او را پس از نگرانی به ایمنی بدل کن تا تو را بندگی کند و شریکت قرار ندهد».

سؤال / ۱۷۰: ما معنى هذه الفقرة من دعاء الافتتاح الذي ورد عن الإمام المهدي (عليه السلام): (أبدله من بعد خوفه أمناً يعبدك لا يشرك بك شيئاً) [643]؟  
معنای این قسمت از دعای افتتاح که از امام مهدی (علیه السلام) وارد شده است چیست؟ «ترس او را پس از نگرانی به ایمنی بدل کن تا تو را بندگی کند و برای تو شریکی قرار ندهد» [644].

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم  
والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين  
أي: أن يُفتح له الفتح المبين فتنتهي الأنا، فلا يبقى إلا الله الواحد  
القهار.

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم  
والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين و  
سلم تسليماً.  
یعنی برای آن حضرت فتح مبین رخ دهد و منیت به پایان برسد و جز خداوند یگانه‌ی  
قهار باقی نماند.

فبالنسبة لرسول الله محمد (صلى الله عليه وآله وسلم) قد أتضح فَتْحُهُ، أما بالنسبة لأمير المؤمنين (عليه السلام) ففتحه بفتح الحجاب مع رسول الله محمد (صلى الله عليه وآله وسلم) في الآن الذي يفتح فيه لرسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم)، فيكون كذلك أمير المؤمنين علي

(علیه السلام) **أيضاً في أن لا يبقى إلا الله الواحد القهار، ولا يبقى علي (عليه السلام)، ويعود في أن آخر إلى الأنا والشخصية.**

در خصوص پیامبر خدا حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم)، فتح آن حضرت روشن شد. در خصوص امیرالمؤمنین (علیه السلام)، فتح آن حضرت با فتح حجاب همراه با پیامبر خدا حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) است در همان لحظه‌ای که فتح برای رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) اتفاق می‌افتد، و به این ترتیب برای امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) نیز در لحظه‌ای جز خدای واحد قهار باقی نمی‌ماند، و علی (علیه السلام) باقی نمی‌ماند، و در آنی دیگر به من و شخصیت بازمی‌گردد.

**ولكن الفرق أن الذي فُتح لأمير المؤمنين (عليه السلام) هما حجابان ، والحجاب الأول منهما فتح لرسول الله بالحقيقة، والثاني لعلي (عليه السلام)، وهكذا إلى الإمام المهدي (عليه السلام). وفي نهاية الغيبة الصغرى فتح له فلم يعد خائفاً، ولم يعد له شرك بمعنى وجود الأنا؛ لحصول الفتح له (عليه السلام).**

اما تفاوت در این است که آن‌چه برای امیرالمؤمنین (علیه السلام) فتح می‌شود، دو حجاب است: حجاب اول، فتح حقیقی برای پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) و دومی برای حضرت علی (علیه السلام) است؛ و به همین ترتیب برای امام مهدی (علیه السلام). در پایان غیبت صغری برای آن حضرت حجاب برداشته شد و آن حضرت دیگر ترسان نمی‌گردد و به دلیل وقوع فتح برای ایشان، شرک به معنای «وجود من» برای آن حضرت رخ نمی‌دهد.

**أما في زمن الظهور فالذي يحتاج له الفتح هو المهدي الأول، وهو الخائف المبدل من بعد خوفه أمناً ، والمطلوب له أن: (يعبدك لا يشرك بك شيئاً)، أي أن ترفع عن صفحة وجوده الأنا في أنات أي أن يفتح له.**

اما در زمان ظهور، آن کسی که به فتح نیازمند است مهدی اول می باشد؛ او ترسانی است که پس از ترسش، به امنیت تبدیل می گردد، و آنچه که برای وی خواسته شده است این است که « تو را بندگی کند و برای تو شریکی قرار ندهد »؛ یعنی در لحظاتی از صفحه‌ی وجود «من» ارتقا یابد؛ یعنی فتح و گشایش برایش حاصل شود.

**وروح القدس الأعظم كان مع رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم)، فلما فتح له انتقل من الرسول إلى أمير المؤمنين (عليه السلام)؛ لأن رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) استغنى بالتسديد الآتي من الفتح عن تسديد روح القدس الأعظم.**

روح القدس اعظم با پیامبر خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) بود و هنگامی که حجاب بر آن حضرت گشوده شد، از پیامبر به امیرالمؤمنین (عليه السلام) انتقال یافت؛ چراکه دیگر پیامبر خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) با تسديد (توفيق) برآمده از فتح، از تسديد روح القدس اعظم بی نیاز گشت.

**وهكذا الإمام المهدي (عليه السلام) يستغني في زمن الظهور عن روح القدس الأعظم؛ لأنه فتح له في زمن الغيبة الصغرى، فينتقل روح القدس الأعظم إلى المهدي الأول، فكما يصدق أنفسنا وأنفسكم على رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) وعلي (عليه السلام)، كذلك يصدق هنا على الإمام المهدي (عليه السلام) والمهدي الأول (عليه السلام)، من جهة الرداء الذي لبسه رسول الله وأمير المؤمنين وهو روح القدس الأعظم. وإلا فلا تساوي بينهما إلا من هذه الجهة، فرسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) أفضل من علي (عليه السلام).**

امام مهدی (عليه السلام) نیز در زمان ظهور از روح القدس اعظم بی نیاز می باشد؛ چراکه حجاب از آن حضرت در زمان غیبت صغری برداشته شده است؛ بنابراین روح القدس اعظم به مهدی اول انتقال می یابد و همان طور که عبارت «أنفسنا و أنفسكم» (ما و شما) بر رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) و حضرت علی (عليه السلام) صدق می کند، در این زمان نیز بر امام مهدی (عليه السلام) و مهدی اول (عليه السلام) صدق می نماید. این مقارنه از نظر ردایی که پیامبر خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) و امیرالمؤمنین (عليه السلام) پوشیدند که همان روح

القدس اعظم می باشد، وگرنه بین آنها رابطه‌ی تساوی برقرار نیست، مگر از این نظر؛  
و پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) برتر از حضرت علی (علیه السلام) می باشد.

وكذلك الإمام المهدي (عليه السلام) أفضل من المهدي الأول، وتساويهم من هذه  
الجهة جهة الرداء، وهو روح القدس الأعظم الذي تردى به المهدي الأول؛ لأنه  
يحتاج إلى التسديد، ولم يحصل له الفتح. بينما الإمام المهدي (عليه السلام) حصل له  
الفتح، فتسديده من الفتح؛ لأنه في آتات لا يبقى إلا الله الواحد القهار.

به همین ترتیب امام مهدی (علیه السلام) نیز برتر از مهدی اول است و برابری آنها در  
این خصوص، از جهت پوشیدن ردا می باشد؛ یعنی روح القدس اعظم که مهدی اول آن  
را به تن کرد؛ چراکه او به تسدید (توفیق و یاری) نیازمند است و فتح برای او حاصل  
نگشته است؛ درحالی که فتح برای امام مهدی (علیه السلام) رخ داده و تسدید آن حضرت از  
طریق فتح می باشد؛ زیرا او در لحظاتی است که در آن جز خدای واحد قهار باقی  
نمی ماند.

أما المهدي الأول فلم يحصل له الفتح، لهذا يسدد بروح القدس الأعظم، ويُدعى  
له بـ (أن يعبدك لا يشرك بك شيئاً)، أي حتى الأنا الموجودة بين جنبه لا يراها  
فلا يرى ولا يعرف إلا الله، فالعبادة هي المعرفة.

اما برای مهدی اول فتح حاصل نگشته و به همین دلیل او با روح القدس اعظم  
تسدید می یابد و برایش این گونه دعا می شود «(تا تو را بندگی کند و برای تو شریکی قرار  
ندهد)»؛ یعنی تا آن جا که منیت موجود در خود را نبیند و چیزی نبیند و چیزی نشناسد  
مگر خداوند را؛ که عبادت، همان معرفت و شناخت می باشد.

يعبدك: أي يعرفك، ولا يشرك بك: لا يعرف غيرك حتى نفسه، أي يحصل له  
الفتح المبين.

«یعبدک» یا تو را بشناسد و «لایشرک بک» یعنی غیر از تو کسی را نشناسد حتی خودش را؛ یعنی فتح مبین برای او حاصل گردد.

وأيضاً أصحاب القائم غير المهدي الأول يسدون بروح القدس، ولكن روح قدس دون روح القدس الأعظم، وكلّ بحسبه. فلذلك فهم يُعصمون: (عهدك في كفك) [645]، (ويضع الله يده على رؤوس العباد فجمع بها عقولهم وكملت به أحلامهم) [646].

همچنین اصحاب قائم غیر از مهدی اول، هریک به فراخور وضعیت خود، بوسیله روح القدس تسدید می‌یابند ولی روح قدس پایین‌تر از روح القدس اعظم است. از همین رو، آن‌ها نیز معصوم‌اند: «(عهدت در دستت است)» [647]، «و خداوند دستش را بر سر بندگان قرار می‌دهد. با آن عقل‌هایشان را جمع می‌کند و رؤیایها و آرزوهایشان را با آن کامل می‌گرداند» [648].



[643] - دعاء الافتتاح / مفاتيح الجنان.

[644] - دعای افتتاح: مفاتيح الجنان.

[645] - عن دلائل الإمامة للطبري (الشيعة): ص 467، والغيبة للنعماني: ص 319، عن الباقر (عليه السلام) قال: (إذا قام القائم بعث في أقاليم الأرض، في كل إقليم رجلاً، يقول: عهدك في كفك فإذا ورد عليك أمر لا تفهمه ولا تعرف القضاء فيه فانظر إلى كفك واعمل بما فيها).

[646] - عن أبي جعفر (عليه السلام)، قال: (إذا قام قائمنا وضع الله يده على رؤوس العباد فجمع بها عقولهم وكملت به أحلامهم) الكافي: ج 1 ص 25 ح 21.

[647] - دلائل الامامة طبری (شیعی): ص 467 و غیبت نعمانی: ص 319. از امام باقر ع که فرمود: «هنگامی که قائم به پا خیزد، برای هر منطقه‌ای از زمین کسی را ارسال می‌کند و می‌گوید: عهد تو در دستت است؛ پس اگر موضوعی بر تو ارائه شد که آن را نفهمیدی و قضاوت در مورد آن را ندانستی به کف دستت نگاه کن و به آن عمل نما».

[648] - از ابوجعفر ع که فرمود: «هنگامی که قائم ما به پا خیزد دستش را بر سر بندگان قرار می‌دهد، عقل‌هایشان را جمع می‌کند و رؤیایها و آرزوهایشان را با آن کامل می‌گرداند».

